



CRITICAL EXAMINATION OF THE DOUBTS AGAINST THE VERSES RELATED TO THE CREATION OF THE WORLD IN SIX DAYS

Mansour Pahlavan¹
Hossein Rezaei²

ABSTRACT

The struggle against the Holy Quran has been carried out in various ways since the beginning of the revelation and is still going on. One of the methods of confronting the enemies that has become very intense today is to promote suspicions against the scientific teachings of the Holy Quran in order to weaken the beliefs of Muslims. One of the contemporary skeptics is a person named "Dr. Soha" who has published the book "Critique of the Qur'an". The author's attempt in part of the book is to reject the scientific data of the Qur'an. In the section on scientific doubts against the Qur'an, the author criticizes the verses related to the creation of the world in six days, citing verses from the Holy Qur'an and the Prophetic tradition, and considers it a scientific error. This study intends to critique the allegation in detail. The present study is a descriptive-analytical method with a critical orientation and based on library sources and its purpose is to defend the revelatory theory and the truthfulness of all data of the Qur'an, including its scientific data. The result of the research is that the contemporary skeptic relied on weak and rejected narrations and his arguments could not invalidate the Qur'anic data about the creation of the world in six days. In addition, there is a lot of evidence from the experimental sciences in support of the Qur'an.

KEYWORDS: Critique, Creation of the world in six days, Doubts, Dr. Soha

¹. Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Tehran | **Email:** pahlavan@ut.ac.ir

². PhD student in Quranic and Hadith Sciences, University of Tehran, Iran* | **Email:** hossein.reza.364@gmail.com



بررسی انتقادی شبهات آیات مربوط به خلقت جهان در شش روز

منصور پهلوان^۱

حسین رضایی^۲

چکیده

مبارزه با قرآن کریم به روش‌های مختلفی از آغاز نزول انجام شده و هنوز ادامه دارد. یکی از روش‌های مقابله دشمنان که امروزه شدت بسیار گرفته، ترویج شبهات علیه معارف علمی قرآن کریم جهت تضعیف اعتقادات مسلمانان است. یکی از شبهه افکنان معاصر، شخصی با نام «دکتر سها» است که کتاب «نقد قرآن» را منتشر کرده است. تلاش نویسنده در بخشی از کتاب مردود دانستن داده‌های علمی قرآن است. نویسنده در بخش شبهات علمی علیه قرآن، با استناد به آیاتی از قرآن کریم و سنت نبوی، به نقد آیات مربوط به خلقت جهان در شش روز پرداخته و آن را اشتباه علمی دانسته است. این تحقیق قصد دارد به نقد و بررسی دقیق ادعای مطرح شده بپردازد. پژوهش حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی با گرایش انتقادی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده و هدفش دفاع از نظریه وحیانی و حق بودن همه داده‌های قرآن، از جمله داده‌های علمی آن است. حاصل پژوهش این است که شبهه افکن معاصر، به روایات ضعیف و مردود اتکا کرده و ادله او نمی‌تواند باطل کننده داده قرآن در مورد خلقت جهان در شش روز باشد. به علاوه شواهد علوم تجربی بسیاری در تأیید نظر قرآن وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: نقد، خلقت جهان در شش روز، شبهات، دکتر سها

^۱ استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران | Email: pahlevan@ut.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران* | Email: hossein.reza.364@gmail.com

۱. مقدمه

نقد قرآن کریم موضوعی است که پیشینه آن به صدر اسلام برمی‌گردد. اخیراً کتابی با عنوان «نقد قرآن»، نوشته شخصی به نام «سها» در فضای مجازی منتشر گردیده که به ادعای مخالفان، یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب‌ها در زمینه نقد قرآن است. تلاش نویسنده کتاب که نامی مستعار برای خود برگزیده و از معرفی خود ایا نموده‌است، اثبات وجود خطا و ضعف در قرآن کریم است. متأسفانه نشر گسترده کتاب مذکور در فضای مجازی، آسیب‌های اعتقادی بسیاری به دنبال داشته که این موضوع لزوم پاسخگویی هرچه زودتر به این کتاب موهوم را مسجل می‌نماید. این پژوهش به بخشی از شبهات آن کتاب که نویسنده در قسمتی از آن با استناد به آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از سنت نبوی، به نقد آیات مربوط به خلقت جهان در شش روز پرداخته و آن را اشتباه علمی قلمداد نموده، می‌پردازد. اهمیت پژوهش از آن جهت است که ایجاد تردید در ذهن معتقدان به قرآن، زمینه اجرایی شدن آن را سست می‌کند و اساس اسلام را با چالشی جدی مواجه می‌کند؛ زیرا قرآن تنها حجت بر حقانیت اسلام و رسالت خاتم پیامبران است و با تردید در آن، دلیلی بر گرایش به دین خاتم باقی نخواهد ماند. پس مسئله این پژوهش گرچه جزئی است، ولی رفع شبهه از آن و حل مشکل گامی مهم در جهت دفاع از دین خاتم خواهد بود.

۱-۱. پیشینه تحقیق

از قرن نخست قمری تاکنون کتاب‌هایی در نقد قرآن و کتاب‌هایی در پاسخ به آنها تألیف شده‌است.^۱ در خصوص پاسخ به شبهات کتاب نقد قرآن سها نیز، آیت‌الله مکارم

^۱ برخی از آنها عبارتند از: قطرب نحوی (متوفای ۲۰۶) از دانشمندان نحو و ادب و شاگرد سیبویه و از اصحاب امام صادق علیه السلام از نخستین کسانی است که کتابی با عنوان «الرد علی الملحدین فی تشابه القرآن» تألیف کرده‌است. پس از وی احمد بن حنبل کتاب «الرد علی الزنادقة و الجهمة» را به رشته تحریر درآورد. در قرن پنجم هجری قاضی عبدالجبار متکلم مشهور معتزلی با تألیف کتاب «تنزیه القرآن عن المطاعن» در رد شبهات و پاسخگویی به اشکال ملحدان نسبت به قرآن کوشش نموده‌است. در همین قرن، خطیب اسکافی در کتاب خود موسوم به «درة التنزیل و غرة التأویل» به ذکر

شیرازی در کتاب «توطئه جدید»، محمدعلی رضایی اصفهانی در کتاب «بررسی مبانی کتاب نقد قرآن»، محمدباقر حیدری نسب در کتاب «دفاع از قرآن در رد کتاب نقد قرآن» و گروه عبادالرحمن (از برادران اهل سنت) در کتاب «کشف نیرنگ و رد بهتان در رد کتاب نقد قرآن» به نقد کتاب مذکور پرداخته‌اند. البته در موارد یاد شده، یا اصلاً به شبهه مورد بحث پرداخته نشده، یا فقط به ذکر نظریات مطرح شده عنایت گردیده و یا بررسی جامعی از آیات و روایات مورد بحث ارائه نشده‌است.

پایانامه‌هایی نیز که در خصوص پاسخ به شبهات کتاب نقد قرآن سه‌ها، تألیف و دفاع گردیده عبارتند از: «بررسی شبهات ناظر به انتساب صفت ظلم به خداوند در قرآن کریم» از سمانه تمیزی (۱۳۹۵)، «بررسی شبهات موهم نظام طبقاتی قرآن» نوشته‌ی مینا موسوی (۱۳۹۵)، «نقد شبهات ناظر برخی اشکالات ادبی در قرآن (بر اساس کتاب دکتر سه‌ها)» از صدیقه فرهادیان (۱۳۹۶)، «نقد شبهات ناظر به آموزه‌های سیاسی و حکومتی قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» از زینب عباس زاده (۱۳۹۵) و «پاسخ به شبهات خشونت طلبی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن کریم» از آرزو خواجه (۱۳۹۵).

با توجه به مطالب فوق و طی بررسی صورت گرفته، تا کنون تحقیق جامعی در خصوص شبهه آیات مربوط به خلقت جهان در شش روز انجام نشده و لذا نگارنده قصد دارد در این تحقیق ضمن بررسی دقیق شبهات مذکور، با استفاده از کتب معتبر و مرجع در زمینه علوم مربوط به بحث (کتب زمین‌شناسی، تفسیری، لغوی و...)، برای این شبهات پاسخ قاطع و علمی ارائه نموده و عدم تعارض بین یافته‌های علمی با آیات مربوط به آن را در قرآن کریم، اثبات نماید.

۱-۲. روش تحقیق

این تحقیق که نقدی بر فعالیت متن محور است، بر حسب نحوه گردآوری داده از نوع توصیفی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده‌است. روش تحقیق در این پژوهش که با

شبهات ملحدان و پاسخگویی به آن می‌پردازد. آنچه ذکر شد، موارد اندکی از کتاب‌هایی است که در طول تاریخ اسلام در نقد قرآن کریم و پاسخ به آن، تألیف شده‌است.

رویکرد انتقادی انجام شده نیز، از نوع تحلیل محتواست که برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن استفاده شده که مهمترین کاربرد آن توصیف ویژگی‌های یک متن و همچنین استنباط جنبه‌های فرهنگی پیام است (سرمد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۲). این روش تحقیق دارای دو مرحله اساسی است که عبارتند از: بررسی مواد (پیام) و پردازش نتایج. پیام‌ها در این تحقیق عبارتند از: آیات قرآن کریم، توجه به مفردات قرآنی مورد بحث با استفاده از کتب معتبر لغت عربی، یافته‌های مسلم سایر علوم مرتبط با موضوع بحث و تفاسیر شیعی و سنی که مورد پردازش و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، قرآن کریم، تفاسیر و سایر پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع تحقیق است. جامعه نمونه، بر جامعه مورد مطالعه منطبق است و کلیه اسناد و مدارک موجود قابل دسترس مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲. متن شبهه: خلقت جهان در شش روز

صاحب «نقد قرآن» معتقد است که در هفت آیه از قرآن، خلقت جهان در شش روز مطرح شده است؛ مثلاً:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» (سجده / ۴):
خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش روز آفرید.
آنگاه (خدا) بر تخت سلطنت (عرش) قرار گرفت.

در تضاد با آیه فوق، آیات ۹-۱۲ سوره فصلت، خلقت جهان را در هشت روز مطرح کرده است: «قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ فَتْرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ إِندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ * ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ»: بگو آیا این شماست که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید، کفر می‌ورزید و برای او همتیانی قرار می‌دهید این است پروردگار جهانیان * و از بالای زمین کوه‌ها نهاد و در آن خیر پدید آورد و مواد خوراکی آن را در چهار روز مقدر کرد باندازه نیاز روزی خواهان *

سپس آهنگ آسمان کرد و آن دود بود، پس به آن و به زمین فرمود بیاید از روی تسلیم یا از روی کراهت. آن دو گفتند با اطاعت و تسلیم آمدیم * پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو روز خلق کرد و در هر آسمانی کار آن را وحی کرد و آسمان دنیا را به چراغها آذین کردیم و حفظ کردیم این است تقدیر آن نیرومند دانا.

مطابق آیات فوق، خلقت زمین در دو روز انجام گرفته و قرار دادن کوهها و خلق (گیاه و حیوان و غیره) در ۴ روز انجام شده و دو روز هم خلقت آسمانها طول کشیده که روی هم ۸ روز می شود. این تضاد، مفسران را به درد سر فراوان انداخته است؛ مثلاً گفته اند در آیه ۱۰ سوره فصلت منظور از ۴ روز، ۴ روز باضافه دو روز ذکر شده در آیه ۹ است. اولاً که این روش کاملاً خلاف روش بیان درست رایج در بین عقلاست. ثانیاً اگر منظور خدا این بود، خود می توانست این را بگوید. ثالثاً: در آیه ۱۱، باید به جای دو روز، ۶ روز به کار می برد تا نحوه بیان اعداد در سه آیه هماهنگ شود که نکرده است. اما منشاء این ۶ روز در بخش تکوین (خلقت) تورات است که به احتمال بسیار قوی محمد آن را از تورات گرفته است.

اما منظور از شش روز چیست؟ بدیهی است که این هم غلطی واضح است. امروزه مشخص شده که عمر منظومه شمسی که نسبتاً جوان است، چندین میلیارد سال است نه ۶ روز. مفسرین جدید و روشنفکران دینی برای نجات از این خطای واضح، معنی روز را تغییر داده اند و گفته اند که منظور از روز، شش دوران زمانی است. اولاً این سؤال مطرح است که آیا خالق زبان خود ناتوان از بیان مفهوم دوران زمانی بود. ثانیاً: چنانچه در مقدمه ذکر شد راه صحیح فهم معانی آیات مبهم، مراجعه به سنت خود محمد ﷺ است نه خیالبافی: «از پیامبر ﷺ سؤال شد که خدا در چه مدت آسمانها و زمین را خلق کرد؟ پیامبر گفت: خدا اول روزها را یکشنبه قرار داد و زمین را در یکشنبه و دوشنبه خلق کرد. و در روز سه شنبه و چهارشنبه کوهها را خلق کرد و نهرها را شکافت و در زمین میوهها را کاشت و روزی هر سرزمینی را تقدیر کرد. سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد و آن دود بود. پس به آن و به زمین فرمود: بیاید از روی تسلیم یا از روی کراهت. آن دو گفتند با اطاعت و تسلیم آمدیم پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو روز خلق کرد و در هر آسمانی کار آن را وحی کرد در روزهای پنجشنبه و جمعه. و

آخرین خلق در ساعات آخر روز جمعه بود و چون روز شنبه شد، دیگر در آن خلقی نبود (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۸۹؛ مسلم، ۱۴۲۶، ج ۴: ۲۱۴۹).

پس بر اساس قرآن و سنت، خدا جهان را در ۶ روز هفته خلق کرده است که غلطی کاملاً واضح است.

برداشت فوق با قرآن و سنت منطبق است؛ ولی ما دو نظر محتمل دیگر را نیز بررسی می‌کنیم. در قرآن، یوم (روز) با سه دوره زمانی آمده است. روز معمولی که انسان‌ها می‌شناسند. روز در نزد خدا که هزار سال یا پنجاه هزار سال است. به نمونه‌های ذیل دقت کنید:

روز عادی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه / ۹): ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون برای نماز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است.

روز هزار ساله: «وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (حج / ۴۷): و قطعاً روز در نزد خدایت مانند هزار سال است از آنچه شما می‌شمارید.

«يَدْرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (سجده / ۵): خدا امور را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند و سپس به سوی او بالا می‌رود، در روزی که مقدار آن هزار سال است از آنچه شما می‌شمارید.

روز پنجاه هزار ساله: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (معارج / ۴): ملائکه و روح به سوی او بالا می‌رود، در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است.

لذا از آغاز خلقت زمین (با جزئیات: کوه و رود و گیاهان و حیوانات و انسان و غیره) تا انتهای خلقت آسمان‌ها یا ۶ روز هفته (نظر مطابق سنت) یا ۶۰۰۰ سال (نظر دوم) یا ۳۰۰ هزار سال (نظر سوم) طول کشیده است؟! که همگی غلطند. امروزه می‌دانیم که فقط زمین حدود ۵ میلیارد سال عمر دارد و عمر کل جهان از بیگ بنگ تا کنون حدود ۱۳/۳ تا ۱۳/۹ میلیارد سال است (سها، ۱۳۹۳: ۹۷).

۳. نقد و بررسی

در پاسخ به این شبهه، ابتدا صحت حدیث نقل شده توسط ناقد قرآن مورد بررسی قرار گرفته، معنا و مفهوم «یوم-روز» در آیات مورد بحث روشن و سپس اختلاف بین شش و هشت روز در آیات مطرح شده تبیین می‌گردد.

۳-۱. بررسی صحت حدیث نقل شده توسط ناقد قرآن

طی بررسی انجام شده، این حدیث که ناقد قرآن آن را به یک طریق از منابع اهل سنت نقل کرده ولی به منابع دیگر تعمیم داده است، به چند طریق روایت شده و همه آنها، حتی نزد علمای علم حدیث اهل سنت نیز ضعیف‌السند و بی‌اعتبار شمرده شده است.

۳-۲. بررسی سندی طریق اول

این حدیث در صحیح مسلم با سند زیر آورده شده است: «حَدَّثَنِي سُريجُ بْنُ يونسَ، وَهَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَا: حَدَّثَنَا حجاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: قَالَ ابْنُ جُرَيْجٍ: أَخْبَرَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ أُمِيَّةَ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَافِعٍ مَوْلَى أُمِّ سَامَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِي، فَقَالَ: "خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ...» (قشیری نیشابوری، ۱۴۲۶، ج ۴: ۲۱۴۹).

این حدیث به چند دلیل ضعیف و بی اعتبار است؛ اولاً، راوی این حدیث «أبي هُرَيْرَةَ» است که امیرالمؤمنین علی عليه السلام در وصف او می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَكْذَبَ النَّاسِ، عَلِيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَبُو هُرَيْرَةَ الدُّوسِي: آگاه باشید که دروغ‌گوترین مردم نسبت به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ابوهریره دوسی است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۲۸، ج ۲: ۲۶۶). ثانیاً، علمای علم حدیث، مخصوصاً بخاری، به صراحت می‌گویند که ابوهریره این حدیث را از کعب‌الاحبار (اخبار بسیاری که معمولاً به آنها اسرائیلیات^۱ می‌گویند از وی برجای مانده است) نقل نموده است (بخاری، ۲۰۰۹، ج ۱: ۴۱۳). امیرالمؤمنین علی عليه السلام در وصف او نیز می‌فرماید: «إِنَّهُ كَذَّابٌ: به راستی او دروغ‌گوست» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۲۸، ج ۲: ۲۷۲). کعب‌الاحبار کسی است که ابوریه

^۱ دسته‌ای از روایات و قصص و مفاهیمی است که در قرآن و از احادیث نبوی نیست، بلکه از تعالیم و کتب امت‌های پیشین به ویژه یهود (بنی اسرائیل) و مسیحیت (نصاری) به صورت مغرضانه وارد روایات اسلامی شده‌اند.

(نویسنده مصری) درباره او می‌گوید: کعب الاحبار حيله گرانه اسلام آورد و در اسلام خویش اخلاص نداشت، بلکه در ضمیر خود همچنان یهودی بود. با زیرکی خاص خود بر ابوهریره که مردی ساده لوح بود، چیره شد و او را در استخدام خویش گرفت و از غفلت او استفاده کرده، هر چه را از خرافات و اوهام می‌خواست، از طریق ابوهریره در لابه‌لای احادیث اسلامی جای داد (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۷). همچنین ابن قیم جوزی می‌گوید: این حدیث غلط است (۱۳۹۰: ۸۴). ابن ملقن نیز با ذکر دلایلی درباره سند حدیث، آن را ضعیف دانسته است (ابن ملقن، ۱۴۰۶، ج ۲: ۵۶۳). منابع دیگری نیز وجود دارد که در اینجا به همین مقدار کفایت شد.

۳-۳. بررسی سندی طریق دوم

«أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدُّهْلِيُّ، ثنا الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ صَبِيحِ الْيَشْكِرِيِّ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثنا ابْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ...» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۸۹).

این حدیث نیز از نظر سند ضعیف است؛ چرا که در سلسله راویان این حدیث، شخصی به نام سعید بن مرزبان معروف به «أبي سعيد البقال» وجود دارد که ناصرالدین البانی درباره او می‌نویسد: ضعیف و مدلس است (البانی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۶۲۷) و ابن حجر عسقلانی درباره او می‌گوید: «یحیی بن معین می‌گوید حدیث او نوشته نمی‌شود. بخاری می‌گوید منکر الحدیث است. نسائی نیز او را ضعیف و دارقطنی او را متروک الحدیث دانسته است. عمرو بن علی او را ضعیف الحدیث و متروک الحدیث خوانده و ابوزرعۀ او را مدلس دانسته است» (عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۴: ۷۹).

۳-۴. بررسی سندی طریق سوم

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِي، ثنا أَبُو بَكْرِ بْنُ مَزْدَوَيْهِ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو، حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّبِيعِ، قَالَ أَبُو بَكْرٍ الْخَافِضُ: وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَشْكِيْبٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا هَنَادُ بْنُ السَّرِيِّ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ عِيَّاشٍ، عَنْ أَبِي سَعْدِ الْبَقَّالِ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ الْيَهُودَ أَتَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، فَسَأَلَتْهُ عَنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. فَقَالَ: «خَلَقَ اللَّهُ الْأَرْضَ يَوْمَ الْأَحَدِ وَالْاِثْنَيْنِ، وَخَلَقَ الْجِبَالَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَ مَا فِيهِنَّ مِنْ مَنَافِعَ، وَ خَلَقَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ الشَّجَرَ، وَ الْمَاءَ، وَ الْمَدَائِنَ، وَ الْعُمُرَانَ، وَ الْحَرَابَ، وَ هَذِهِ الْأَرْبَعَةُ:

یهودی خدمت پیامبر رسید و از ایشان درباره خلقت آسمان و زمین پرسید. ایشان فرمودند: خداوند زمین را در روز یکشنبه و دوشنبه آفرید و کوه‌ها و آنچه در آنها از منفعت است را در سه شنبه خلق کرد و درختان و آب و شهرها و آبادی‌ها و خرابی‌ها را در روز چهارشنبه خلق کرد و این چهار روز است...» (ثقفی، ۲۰۰۴، ج ۱: ۲۲).

چند نفر از راویان این حدیث متهم به کذب و جعل حدیث هستند. یکی از آنها «أَخَذَ بِنُوحٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو الْأَحْسَبِيِّ» است که ابن حبان بستی و دارقطنی او را به جعل حدیث متهم نموده‌اند. راوی دیگر این حدیث «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّبِيعِ» است که ابن عدی و ابن حجر عسقلانی از قول مطین حضرمی، او را کذاب بن کذاب می‌خواند (جرجانی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۴۴؛ عسقلانی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۰).

با توجه به بررسی‌های فوق، حدیث مورد ادعای ناقد قرآن، حتی از نظر محدثان اهل سنت، از نظر سندی ضعیف بوده و قابل استناد نیست. اما یکی دیگر از راه‌های بررسی صحت احادیث، عرضه آنها بر قرآن است. زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَإِنَّا قُلْتُهُ وَ مَا جَاءَكُمْ يَخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَمُّ أُمَّةٍ: أَي مَرْدَمِ أَنْجَحَ مِنْ جَانِبِ مَنْ بَعْدَ شِمَا رَسِيدٍ وَ مُوَافِقِ قُرْآنِ بُوْد، أَنْ رَا مِنْ كُفْتَهَامِ وَ أَنْجَحَ بَعْدَ شِمَا رَسِيدٍ وَ مُخَالَفِ قُرْآنِ بُوْد، مِنْ أَنْ رَا نَكْفَتَهَامِ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۸۹). در بخشی از روایت اول و دوم آمده: «چون روز شنبه شد، دیگر در آن خلقی نبود». این فراز از روایت نیز با مضمون آیه ۲۹ سوره الرحمن (كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ) که خلقت الهی را دائم و مستمر معرفی نموده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۳۸) در تعارض است. همچنین مضمون این دو روایت، با مضمون روایت سوم کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده که پذیرش آنها را ناممکن می‌سازد.

با توجه به مطالب فوق، حدیث نقل شده توسط ناقد قرآن، از نظر سندی و متنی فاقد اعتبار لازم بوده و ارزش استناد ندارد. در واقع این حدیث گویا از اسرائیلیاتی است که به صورت مغرضانه وارد روایات اسلامی شده‌است.

۳-۵. معنا و مفهوم «یوم-روز» در آیات مورد بحث

قرآن کریم در آیه ۵ سوره یونس می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا وَ

قَدَرُهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ النَّيِّنِ وَالْحِسَابِ: او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن (ماه) منزلگاه‌هایی مقدر کرد، تا عدد سال‌ها و حساب را بدانید. به تعبیر دیگر، در این آیه قرآن کریم به صراحت حرکات ماه را مبنایی برای محاسبه روز، ماه و سال عنوان نموده‌است. به همین جهت معنا ندارد که قبل از پیدایش خورشید، زمین و ماه، «یوم» به معنای بیست و چهار ساعت باشد؛ لذا «یوم» در آیات مورد بحث هرگز به معنی روز معمولی نیست، چرا که قبل از آفرینش زمین و آسمان، اصلاً «یوم» به این معنی وجود نداشته‌است.

در قرآن کریم نیز صدها بار کلمه «یوم» و «ایام» به کار رفته و در بسیاری از موارد به معنی شبانه روز معمولی نیست. به عنوان مثال آیه ۴۷ سوره حج (روز هزار ساله) و آیه ۴ سوره معارج (روز پنجاه هزار ساله) که ناقد قرآن به آنها اشاره نموده‌است؛ یا در آیه ۱۴۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»: این روزگار را به اختلاف احوال میان مردم می‌گردانیم، تا مقام اهل ایمان به امتحان معلوم شود. همچنین در آیه ۳۶ سوره توبه می‌فرماید: «يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»: روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید.

به طور مشخص، واژه «یوم» در هر یک از این آیات به معنای غیر از شبانه روز معمولی بوده و نیز برای بیان موضوعی جداگانه به کار رفته‌است. واقعاً مغرضانه است که با این وجود، «یوم» را به معنای روز معمولی به حساب آورد و یا با ربط دادن آیات متفاوت به هم (مثل ربط دادن آیه مربوط به مدت زمان قیامت، به مدت زمان روزهای خلقت) برای آن مدت زمان تعیین نمود؛ در حالی که در هر یک از این چهار آیه، «یوم» مدت زمانی متفاوت دارد. چنانچه بحرانی (از مفسرین شیعه در قرن ۱۱ هجری) ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف، می‌گوید: «فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ يَعْنِي فِي سِتَّةِ أَوْقَاتٍ»: شش روز یعنی شش وقت و دوران (بحرانی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۹۹). در روایات و سخنان پیشوایان دینی نیز، کلمه «یوم» به معنی دوران، بسیار به کار رفته‌است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در حکمت ۳۹۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ»: روزگار دو روز است، روزی به سود تو است و روزی به زیان تو.

اما در مورد این ادعای ناقد قرآن که می‌گوید: منشاء این ۶ روز در قرآن، بیان همین

مطلب در تورات است باید گفت: همان خدایی که موسی عَلَيْهِ السَّلَام را به پیامبری برانگیخت، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز خلعت نبوت پوشاند و چون هر دو از جانب خدای واحدی به رسالت برگزیده شده‌اند، سخن آنها در بسیاری از موارد (به جز مطالب تحریف شده در تورات) تصدیق کننده یکدیگر است.

۳-۶. اختلاف بین شش و هشت روز

در همه آیات مربوط به خلقت آسمان‌ها و زمین، قرآن کریم مدت خلقت را شش روز عنوان نموده است؛ اما به ظاهر در آیات ۹-۱۲ سوره فصلت، مدت خلقت آسمان‌ها و زمین، هشت روز مطرح شده است. قرآن کریم در این آیات می‌فرماید: «... خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ... * وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ * ... فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ»: ... زمین را در دو روز خلق کرد ... * و از بالای زمین کوه‌ها قرار داد و در آن خیر پدید آورد و اقوات آن را در چهار روز مقدر کرد به‌اندازه‌ی نیاز روزی خواهان * پس آنها را [به‌صورت] هفت آسمان در پایان دو روز استوار کرد.

قبل از بررسی موضوع، باید به این نکته توجه شود که قرآن کریم هر لفظ را به دقیقترین شکل ممکن به کار برده است؛ لذا باید در ترجمه این الفاظ دقت کافی به عمل آید. بین آیات ۹-۱۲ سوره فصلت و آیاتی که خلقت آسمان‌ها و زمین را در شش روز عنوان می‌کنند، تفاوت آشکاری وجود دارد؛ زیرا در آیات دیگر برای بیان مدت زمان آفرینش مجموع آسمان‌ها و زمین از لفظ «خَلَقَ» استفاده شده است؛ مثل آیه ۵۴ سوره اعراف که می‌فرماید: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» اما در آیات ۹-۱۲ سوره فصلت، فعل «خَلَقَ»، فقط برای مدت زمان خلقت زمین به کار برده شده است. برای کوه‌ها، از فعل «جَعَلَ» و برای اقوات^۱، از فعل «قَدَّرَ» و برای آسمان‌ها که به‌صورت هفت آسمان درآمدند از فعل «قَضَاهُنَّ» استفاده شده است؛ یعنی: «خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ... وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي... وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا... فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ». فعل «خَلَقَ»، بر اصل وجود و خلقت چیزی و فعل «جَعَلَ» بر

۱ اقوات از ماده قوت به معنی قدرت بر حفظ چیزی است (ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۳۸).

کیفیتی دلالت می‌کند که به دنبال آن، وجود پیدا می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۴۵). همچنین معنی «قَدَّرَ» از ماده «قدر» به معنای اندازه‌گیری و نهایت آن (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۵: ۶۲) و معنی «قَضَى» عبارت است از حکم، فصل، اتمام و امضای یک امر (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۱۸۶). در نتیجه نمی‌توان آیات ۱۲-۹ سوره فصلت را با آیاتی که خلقت جهان را در شش روز عنوان نموده‌اند، به یکدیگر ربط داد. چراکه همانطور که گفته شد، در آیات ۱۲-۹ سوره فصلت فعل «خَلَقَ»، فقط برای مدت زمان خلقت زمین به کار برده شده، نه مجموع آفرینش زمین و آسمان.

البته باید گفت از دیر زمان تاکنون، بسیاری از مفسرین به این نکته توجه ننموده و در تفسیر آیه ۱۰ فصلت گفته‌اند: منظور از ۴ روز، ۴ روز به اضافه دو روز آیه ۹ است. به عنوان مثال فخر رازی در این رابطه می‌گوید: «أَنَّ الْعُلَمَاءَ أَجَابُوا عَنْهُ بِأَنْ قَالُوا الْمُرَادُ مِنْ قَوْلِهِ وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ مَعَ الْيَوْمِ الْأَوَّلِينَ، وَهَذَا كَقَوْلِ الْقَائِلِ سِرْتُ مِنَ الْبَصْرَةِ إِلَى بَغْدَادَ فِي عَشْرَةِ أَيَّامٍ، وَسِرْتُ إِلَى الْكُوفَةِ فِي خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا يُرِيدُ بِكَلِمَةِ الْمَسَافَتَيْنِ. علما در پاسخ به این شبهه گفته‌اند که منظور از تقدير اقوات در ۴ روز، مجموع آن با دو روز اول است. مثل گفتار کسی که می‌گوید از بصره تا بغداد را در ۱۰ روز طی نمودم و تا کوفه را در ۱۵ روز که منظور آن کل زمان مسافرتش می‌باشد» (رازی، ۱۴۰۱، ج ۲۷: ۵۴۵).

قریب به همین مفهوم را طبرسی در مجمع‌البیان، علامه طباطبایی در المیزان و آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۲۴). در واقع ناقد قرآن نظر مفسرین را نقد کرده نه آیات قرآن کریم.

از طرف دیگر، در هفت آیه‌ای^۱ که مدت خلقت را در شش روز بیان فرموده، سخنی از هفت آسمان نیست، بلکه از لفظ «السَّمَاوَاتِ» بدون قید استفاده شده و لذا منظور از آن در این آیات، همه کرات و اجرام آسمانی و فضای بین آنها (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا) می‌باشد. به عبارت دیگر، در آیاتی که خلقت آسمان‌ها و زمین را در شش روز عنوان نموده،

۱ آیات سوره‌های (اعراف / ۵۴)، (یونس / ۳)، (هود / ۷)، (فرقان / ۵۹)، (سجده / ۴)، (ق / ۳۸)، (حدید / ۴).

مدت خلقت کل جهان مادی مد نظر بوده و در واقع این ایام مربوط به ادوار کیهان‌شناسی است. ولی در آیات ۹-۱۲ سوره فصلت، بحث از خلقت زمین و شکل‌گیری عوارض طبیعی بر روی آن بوده، لذا ایام ذکر شده مبین ادوار زمین‌شناسی است. در حقیقت با توجه به مضمون این دو دسته آیات یعنی آیات ۹-۱۲ سوره فصلت و آیاتی که خلقت جهان را ۶ روز معرفی نموده‌اند، و آنچه گفته شد، هیچ ربطی بین آنها وجود ندارند.

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتایج ذیل را اخذ نمود:

۱. زمین در دو روز (دوران) خلق شده، اما در این آیات درباره مدت زمان خلق آسمان‌ها اشاره‌ای نشده است.

۲. در کره زمین، بروز کیفیات (مثل پدید آمدن کوه‌ها) و تقدیر اقوات در چهار دوران رخ داده است. البته برخی مفسرین گفته‌اند: ممکن است این چهار روز، مربوط به تقدیر اقوات بوده و ربطی به جعل کوه‌ها نداشته و منظور از آن، چهار فصل سال باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۵۵۲). یعنی «وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ»: اقوات (چیزهایی که موجب قوت گردند) را در چهار فصل مقدر فرمود.

۳. آسمان‌ها بعد از خلقت زمین و در پایان دو دوره، به صورت هفت‌تایی درآمده که خاصیت هریک با دیگری متفاوت است. عبارت «وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا»: در هر آسمانی کار مخصوص به آن را وحی کرد، در آیه ۱۲ سوره فصلت ناظر به این موضوع است. در حقیقت می‌توان گفت «به صورت هفت آسمان در آمدن آسمان‌ها»، دو دوران به طول انجامید، نه خلقت آن؛ چراکه قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره فصلت (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ: سپس به آسمان پرداخت و آن دود بود)، می‌فرماید خداوند پس از خلقت زمین، به آسمان پرداخت که شبیه دود بود و سپس آنها را به صورت هفت آسمان درآورد. یعنی قبل از به صورت هفت آسمان در آمدن آسمان‌ها، آسمانی وجود داشته که شبیه دود بوده است.

۱ منظور از امر آسمان که می‌فرماید: خدا به هر آسمانی امر آن را وحی کرد، آثاری است که استعداد داشتن آن را داشته و با حکمت اقتضاء می‌کرده آن آثار را داشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۵۷۷).

حال این نتایج را با یافته‌های علمی مقایسه می‌نماییم. البته باید این نکته را خاطر نشان نمود که مقصود تطبیق قطعی یافته‌های علمی با آیات قرآن کریم نیست. بلکه هدف آن است که اثبات شود از نظر علمی، نه تنها دلیلی بر اشتباه بودن آیات مورد بحث وجود ندارد، بلکه شواهد علمی در مقام تأیید این آیات قرار گرفته‌اند.

کره زمین از گازهای داغ و ذرات غباری که پس از تشکیل خورشید در اطراف این ستاره به جامانده بود، به وجود آمد. پس از گذشت میلیون‌ها سال کره زمین که مملو از مواد مذاب بود، به تدریج سرد شده و شکل واقعی خود را به دست آورد که ابتدا مذاب و سپس سطح آن سرد شده و به صورت جامد درآمد (واعظ، ۱۳۹۲: <https://www.aihrc.org.af>). به عبارت دیگر، کره زمین ابتدا گاز بوده که در مرحله اول به صورت مذاب (مایع) و در مرحله دوم به صورت جامد درآمده است.

عمر زمین را به دوران‌های مختلفی تقسیم می‌کنند که مبنای این تقسیم‌بندی، ظهور یا انقراض و یا سایر اتفاقات مهم دیگری نظیر کوه‌زایی و... می‌باشد (<http://daneshnameh.roshd.ir>). براساس این مبنا، چهار دوران گلی برای زمین در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از: پرکامبرین (Precambrian)، پالئوزوئیک (Paleozoic)، مزوزوئیک (Mesozoic)، سنوزوئیک (Cenozoic) (Urie, 2006: 69).

بعد از به وجود آمدن زمین، ماگماهای درون آن، چنان قوی بودند که مرتباً سطح ضعیف و خشکیده زمین را باز کرده و مواد مذاب خود را بیرون ریختند. خروج مواد مذاب موجب شد مقدار زیادی از گازها که در درون زمین محبوس بودند به سطح زمین آمده و از طریق سطح به طرف ارتفاعات بالا صعود نمایند. از طرفی سطح این سیاره در مراحل اولیه مورد هجوم میلیون‌ها شهاب سنگ قرار گرفت و برخی از این سیارک‌ها و ستاره‌های دنباله دار حاوی مقدار عظیمی یخ بودند. در اثر خروج گازهای درون زمین و بخار آبی که از برخورد شهاب سنگ‌ها با سطح زمین حاصل شده بود، جو زمین یا اتمسفر اولیه شکل گرفت (واعظ، ۱۳۹۲: <https://www.aihrc.org.af>). لذا جوی که امروز سیاره ما دارد، به طور کلی با جو اولیه زمین متفاوت است. در واقع زمانی که زمین برای نخستین بار و در حدود ۴/۴ میلیارد سال پیش رو به سردی گذاشت، در اثر خروج گازهای درون زمین، بخار آب، مونوکسید کربن،

دی اکسید کربن و آمونیاک (دخان به معنای گازهای شیشه دود) به جو تزریق شد که غلظتشان یک صد برابر جو امروز زمین بود (Cain, 2015: <http://www.universetoday.com>); اما به تدریج دی اکسید کربن توسط باکتری‌ها به اکسیژن تبدیل شد. اکسیژن با آمونیاک واکنش شیمیایی داده و سبب آزادسازی نیتروژن گردید. عمل فتوسنتز گیاهان نیز سطح اکسیژن را به میزان چشمگیری افزایش داد؛ درحالی که سطح دی اکسید کربن کاهش می‌یافت. (Gregory et al, 2009: 88) همچنین انرژی پرتوهای فرابنفش، مولکول‌های آب را شکستند و آن را به هیدروژن و اکسیژن تبدیل کردند که هیدروژن (به دلیل سبکی) از جو خارج شده و اکسیژن در جو باقی ماند. لذا جو اکسیژن دار بر روی زمین پدید آمد و در حقیقت جو زمین زمانی شروع به تکامل کرد که دارای اکسیژن شد. ۴۰۰ میلیون سال قبل غلظت اکسیژن، به ده درصد مقدار فعلی و حدود ۲۰۰ میلیون سال قبل به مقدار فعلی رسید (Sumich & Morrissey, 2004:5). اکسیژن موجب پیدایش لایه اوزون گردیده و در نتیجه جو فعلی زمین در حدود ۴۰۰ میلیون سال پیش تشکی و در پایان دو دوره به صورت فعلی و لایه لایه در آمد (coursehero.com: 2017: Addams & Itteilag, 2012: 29). لذا جو فعلی زمین را جو سوم آن می‌خوانند (Cobb, B. Allan, 2009: 22). بدین صورت که در مرحله اول هلیوم و هیدروژن به دلیل سبک بودن از جو زمین گریخت و در مرحله دوم با پیدایش جو اکسیژن دار، اتمسفر زمین تکامل پیدا کرده و به صورت فعلی و لایه لایه در آمد. این لایه‌ها عبارتند از: تروپوسفر^۱، استراتوسفر^۲، مزوسفر^۳، ترموسفر^۴، یونوسفر^۱، اگزوسفر^۲ که مجموعاً

۱ لایه پایینی جو که ارتفاع آن در قطب‌ها در حدود ۸ کیلومتر و در استوا در حدود ۱۸ کیلومتر است. بسیاری از ابرها در این لایه قرار داشته و با افزایش ارتفاع، دما و فشار هوا در آن کاهش می‌یابد (Jarumayan & Sadili, 2003: 114).

۲ لایه دوم جو که ضخامت متوسط آن حدود ۲۳ کیلومتر است. در ۳ کیلومتر اول استراتوسفر، دمای هوا ثابت است، اما در قسمت‌های بالاتر با افزایش ارتفاع، دمای هوا نیز افزایش می‌یابد. لایه ازن در این لایه قرار گرفته (Ibid: 114).

۳ تا ارتفاع حدود ۸۰ تا ۸۵ کیلومتری از سطح زمین قرار گرفته و در آن با افزایش ارتفاع، دمای هوا کم می‌شود. روزانه حدود ۵۰ تن شهاب‌سنگ در مزوسفر تبخیر می‌شوند (Ibid: 115).

۴ تا ارتفاع حدود ۶۰۰ تا ۶۴۰ کیلومتری از سطح زمین قرار گرفته و در آن با افزایش ارتفاع، دما نیز افزایش پیدا می‌کند. این دما ممکن است به ۱۵۰۰ کلوین برسد که منشاء اصلی آن یونیزه شدن مولکول‌های اکسیژن و نیتروژن، در اثر برخورد با پرتو فرابنفش خورشید است. بخش عمده‌ای از پرتو ایکس و فرابنفش در این لایه جذب می‌شوند (Ibid: 115).

با فضای کیهانی بعد از خود، هفت آسمان مطبق را تشکیل می‌دهند که خصوصیت هر کدام از آنها با دیگری متفاوت است.

۴. نظرات دیگر در رابطه با هفت آسمان

نظرات متنوعی درباره اینکه منظور از هفت آسمان در قرآن کریم چیست، وجود دارد. برخی آن را مادی و برخی دیگر آن را غیر مادی می‌دانند. گروهی مصداقی معین نمی‌کنند و برخی مصداقی برای آن برمی‌شمارند. هر چند که موضوع مقاله این مطلب را دربر نمی‌گیرد، اما در اینجا علاوه بر نظر ارائه شده قبلی مبنی بر لایه‌های جو و فضای کیهانی بعد از خود به عنوان هفت آسمان، به بخشی از این نظرات که به نحوی مورد تأیید آیات قرآنی است، اشاره می‌شود:

۱. برخی گفته‌اند منظور از آسمان در قرآن، مقام قرب و حضور و راهی برای سلوک امر و تدبیر عالم و رفت و آمد ملائکه است که از آن طریق امر الهی جریان می‌یابد. برای مثال در آیه ۵ سوره سجده می‌فرماید: «يَدَّبَّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ»: اوست که امر عالم را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۲۷).
۲. برخی مفسران با استناد به آیه ۶ سوره صافات یعنی: «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»، و در نظر گرفتن معنی عبارت «السَّمَاءُ الدُّنْيَا» به «آسمان پایین‌تر»، بر آنند که همه این سیارات، ستارگان و کهکشان‌ها در آسمان اول قرار داشته و شش آسمان دیگر، خارج از آسمان اول وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۲۴). وسعت دنیای خارج به حدی است که علم نجوم نتوانسته ابعاد آن را مورد شناسایی قرار دهد. به همین دلیل با توجه به عدم آگاهی ما از تمام ابعاد جهان و نیز توجه به اینکه مجهولات موجود در زمینه

۱ تا ارتفاع تقریبی ۱۰۰۰ کیلومتری قرار گرفته و فرایند یونیزه شدن مولکول‌های گازی در آن صورت می‌گیرد. یونسفر نقش اصلی در انتشار امواج الکترومغناطیسی داشته و اثرات مهمی بر ارتباطات راه دور دارد (Ibid: 115).

۲ بالاترین لایه جو و تا ارتفاع حدود ۱۰۰۰۰ کیلومتر از سطح زمین قرار گرفته که پس از آن فضای کیهانی آغاز می‌گردد. اجزای اصلی این لایه هیدروژن و هلیم هستند که تراکم کمی دارند. همچنین بسیاری از ماهواره‌ها در این لایه قرار دارند (Ibid: 116).

علم نجوم در برابر یافته‌های علمی، قابل مقایسه نبوده و نظریه‌های فعلی نیز پاسخگوی مجهولات نمی‌باشند، لذا دلیل علمی بر رد این نظریه وجود ندارد. چنانکه شان کارول (Sean Carroll)، از فیزیکدانان برجسته، در این رابطه می‌گوید: «در حال حاضر ما مدل

خوبی برای جهان نداریم» (Atkinson, 2015: <http://bigbangpage.com>).

۳. عده‌ای گفته‌اند با توجه به اینکه در زبان عربی، گاهی مراد از کلمه «هفت» تعداد کثیر است، پس هفت نماد کثرت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۶۱). به عنوان مثال در آیه ۲۷ سوره لقمان «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ»: اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریا به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود، ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد، مراد از هفت دریا، بیان کثرت است؛ زیرا اگر صدها دریا هم باشد، برای نگارش کلمات خدا کافی نیست. در نتیجه مراد از هفت آسمان و هفت زمین که در قرآن کریم به آنها اشاره شده، تعداد عظیم و کثیر کواکب آسمانی و کراتی مشابه زمین است.

نتیجه

در این تحقیق ضمن بررسی دقیق اسناد روایت ذکر شده توسط ناقد قرآن، بی اعتبار و غیر قابل استناد بودن آن آشکار و نیز مشخص شد در آیاتی که خلقت آسمان‌ها و زمین را در شش روز عنوان نموده، منظور مدت خلقت کُل جهان مادی و این ایام مربوط به ادوار کیهان شناسی است. ولی در آیات ۹-۱۲ سوره فصلت، بحث از خلقت زمین و شکل‌گیری عوارض طبیعی بر روی آن بوده و ایام ذکر شده مبین ادوار زمین شناسی است. لذا این دو دسته آیات هیچ ربطی با یکدیگر ندارند. به علاوه شواهد و یافته‌های علمی در مقام تأیید این آیات قرار گرفته‌اند.

منابع و مأخذ

١. قرآن کریم.
٢. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (١٤٢٨). شرح نهج البلاغه. چاپ اول. بغداد: دار الكتاب العربی.
٣. ابن‌الملقن، عمر بن علی. (١٤٠٦). تحفة المحتاج إلى أدلة المنهاج. چاپ اول. مکه مکرمه: دار حراء.
٤. ابن فارس، احمد بن فارس. (١٣٩٩). معجم مقاییس اللغة. قاهره: دار الفکر.
٥. ابن قیّم الجوزی، أبوعبدالله. (١٣٩٠). المنار المنیف فی الصحیح والضعیف. حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیه.
٦. ابن منظور، محمد بن مکرم. (١٤١٤). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
٧. البانی، محمد ناصرالدین. (١٤١٢). سلسله الأحادیث الضعیفة و الموضوعة و أثرها السیئ فی الأمة. الرياض: دارالمعارف.
٨. بحرانی، هاشم بن سلیمان توبلی. (١٤١٧). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دار التفسیر.
٩. بخاری، محمد بن إسماعیل. (٢٠٠٩). التاريخ الكبير. بیروت: دائرة المعارف العثمانیه.
١٠. ثقفی، ابوالفرج مسعود بن الحسن. (٢٠٠٤). فوائد أبي الفرج الثقفی. چاپ اول. [بی‌جا]: مخطوط نشر فی برنامه جوامع الکلم المجانی التابع لموقع الشبكة الإسلامیه.
١١. جرجانی، أبواحمد بن عدی. (١٤٠٩). الکامل فی ضعفاء الرجال. چاپ سوم. قاهره: دار الفکر.
١٢. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (١٤٢٢). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
١٣. رازی، فخرالدین محمد بن عمر. (١٤٠١). تفسیر الرازی مفاتیح الغیب او التفسیر الكبير. قاهره: دار الفکر.
١٤. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (١٣٩٣). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
١٥. سها. (١٣٩٣). نقد قرآن. ویرایش سوم. [بی‌جا]: [بی‌نا].
١٦. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (١٤١٧). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
١٧. طبرسی، فضل بن الحسن. (١٤١٥). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. لبنان: منشورات مؤسسة العلمی للمطبوعات بیروت.
١٨. عسقلانی، أحمد بن علی. (١٣٢٦). تهذیب التهذیب. الهند: مطبعة دائرة المعارف النظامیه.
١٩. _____ . (١٣٩٠). لسان المیزان. لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بیروت.
٢٠. قشیری نیشابوری، مسلم ابن حجاج. (١٤٢٦). صحیح مسلم. الرياض: دارا الطیبه.
٢١. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (١٣٦٧). اصول کافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۲. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. معرفت، محمد‌هادی. (۱۳۷۹). **تفسیر و مفسران**. قم: موسسه فرهنگی تمهید.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۲۵. واعظ، سامعه. (۱۳۹۲). **کره زمین چگونه شکل گرفت**، <http://www.aihrc.org.af>
26. Addams, jane,(2017), water vapor nitrogen Large concentration of gases in the atmosphere, coursehero.com.
27. Atkinson, Nancy, (2015), Thinking About Time Before the Big Bang, <http://bigbangpage.com> p=609.
28. Cain, Fraser, (2015), Earth's Early Atmosphere, <http://www.universetoday.com>.
29. Cobb, B. Allan, (2009), Earth Chemistry, Infobase publishing, ISBN: 978-0-7910-9677-2.
30. Gregory, Kenneth & simmons, Lan & brazel, Anthony & Day, john,(2009), Environmental Sciences: A Student's Companion, SAGE publications India.
31. <http://daneshnameh.roshd.ir>.
32. <https://fa.wikipedia.org>.
33. Itteilag, E. Richard,(2012), Holy Capitalism: Origins, Workings and Energy Catalyst, Author House, ISBN 978-1-4772-1737-5.
34. Jarumayan, A. Germana & Sadili, V. Milagros, (2003), The Changing Earth, KATHA PUBLISHING CO, INC.
35. Sumich, L. James & Morrissey, John Francis, (2004), Introduction to the Biology of Marine Life, jones & Bartlett publishers, Inc.
- Urie, Patricia,(2006), Earth's Crust, published in the united states, Mark press.